

گزیده ای از تأکیدات امام خامنه ای پیرامون نهی از ایراد تهمت، افتراء و تخریب به ویژه نسبت به مسئولین و تصریح بر غیر شرعی و غیر قانونی بودن اینکار با هر دلیل و بهانه ای	
۱۳۷۰/۱۲/۴	انسان کسانی را می‌بیند که وقتی در تریبونی قرار می‌گیرند، از آن تریبون برای فتنه‌گری استفاده می‌کنند؛ برایشان خلاف واقع گفتن و دروغ گفتن، بلکه مردم را بناحق تهییج کردن، حق را باطل و باطل را حق جلوه دادن، اهمیتی ندارد! واقعاً اگر چنین کسانی باشند، باید جلوی آنها را گرفت. {۶۳}
۱۳۸۰/۰۵/۱۱	«یکی از بدترین کارها این است که مسؤولان موظف نظام، به وسیله‌ی اشخاص دیگر – صرفاً به خاطر این‌که تریبونی در اختیارشان قرار گرفته – مورد تخریب واقع شوند. انتقاد کردن غیر از تخریب کردن است. این معنی ندارد که اگر کمبود و ضعفی در کار دولت و در بخشی ایجاد شد، کلیت دولت مورد اهانت قرار گیرد. {۶۴}
۱۳۸۴/۰۸/۰۸	انتقاد، طلب اصلاح و مطالبه‌ی مطالبات مردم، خوب است؛ عیب‌جویی بی‌منطق، بزرگنمایی، تهمت‌زنی و افترا و شایعه‌پراکنی بی‌اساس بد است. {۶۵}
۱۳۸۶/۱۰/۱۵	بدگویی کردن، اهانت کردن، تهمت زدن، برای عزیز کردن خود و یا نامزد مورد نظر خود، دیگران را و رقبا را در چشم مردم خوار کردن، اینها راهها و روشهای صحیح و اسلامی نیست. {۶۶}
۱۳۸۶/۱۰/۱۲	«تهمت زدن آدمهای مؤمن را، مصونیت‌دار از لحاظ اسلامی و شرعی را؛ در معرض هتک آبرو قرار دادن در شبنامه‌ها، در مطبوعات، در پایگاه‌های اینترنتی و غیره، این‌ها اصلاً مصلحت نیست» {۶۷}
۱۳۸۸/۰۳/۲۹	صریح‌ترین اهانتها به رئیس جمهور قانونی کشور شد. به کسی که رئیس جمهور قانونی کشور است، متکی به آراء مردم است. نسبتهای خلاف دادند، رئیس جمهور مملکت را که مورد اعتماد مردم است، به دروغ گوئی متهم کردند! اینها خوب است؟ کارنامه‌های جعلی برای دولت درست کردند، اینجا آنجا پخش کردند، که ما که در جریان امور هستیم، می‌بینیم میدانیم که اینها خلاف واقع است؛ فحاشی کردند؛ رئیس جمهور را خرافاتی، رمال، از این نسبت‌های خجالت‌آور دادند؛ اخلاق و قانون و انصاف را زیر پا گذاشتند. {۶۸}
۱۳۸۸/۵/۳	«به کسی نباید بیهوده تهمت زد؛ کسی را نباید به خاطر یک امر، از همه‌ی آن چیزهایی که صلاحیت محسوب می‌شود، انسان او را نفی بکند. با انصاف باید بود؛ با انصاف باید عمل کرد؛ با انصاف باید حرف زد. (...) اگر با کسی دشمنید، این دشمنی موجب نشود که نسبت به او بی‌انصافی کنید، بی‌عدالتی کنید؛ حتی نسبت به دشمن؛ حالا آنکه دشمن هم نیست.» {۶۹}
	«فضا را نباید از تهمت و از گمان سوء پر کرد. قرآن کریم میفرماید: «لو لا اذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنات بانفسهم خیرا»؛ وقتی میشنوید که یکی را متهم میکنند، چرا به همدیگر حسن ظن ندارید؟ تکلیف دستگاه اجرایی و قضائی به جای خود محفوظ است. دستگاه‌های اجرایی باید مجرم را تعقیب کنند، دستگاه‌های قضائی باید مجرم را محکوم و مجازات کنند؛ با همان روشی که ثابت میشود و در قوانین اسلامی و قوانین عرفی ما هست و هیچ هم در این زمینه نباید کوتاه بیایند؛ اما مجازات مجرم که از طرق قانونی جرم او ثابت شده است، غیر از این است که به گمان، به خیال، به تهمت، یکی را متهم کنیم، بدنام کنیم، توی جامعه دهن به دهن بگردانیم. اینکه نمیشود. این فضا، فضای درستی نیست» {۷۰}
۱۳۸۸/۰۶/۲۹	«اینکه ما بیانییم این و آن را بدون اینکه اثبات شده باشد، بگیریم زیر بار فشار تهمت و چیزهایی را به آنها نسبت بدهیم که ممکن است در واقع راست باشد، اما تا مادامی که ثابت نشده است، ما حق نداریم آن را بیان کنیم؛ ... تهمت زدن به یک شخص گناه است، تهمت زدن به یک نظام اسلامی، به یک مجموعه، گناه بسیار بزرگتری است» {۷۰}
	«اینکه متأسفانه باب شده که روزنامه و رسانه و دستگاه‌های گوناگون ارتباطی – که امروز روزبه‌روز هم بیشتر و گسترده‌تر و پیچیده‌تر میشود – روشی را در پیش گرفته‌اند برای متهم کردن یکدیگر، این چیز خوبی نیست؛ این چیز خوبی نیست، دل ما را تاریک میکند، فضای زندگی ما را ظلمانی میکند. هیچ منافات ندارد که گنه‌کار تاوان گناه خودش را ببیند، اما فضا، فضای اشاعه‌ی گناه نباشد؛ تهمت زدن، دیگران را متهم کردن به شایعات، به خیالات. همین جا من این را هم بگویم: اینکه در دادگاه‌ها – که در تلویزیون هم پخش میشد – از قول یک متهمی چیزی راجع به یک کس دیگری گفته میشود، من این را بگویم که این، شرعاً حجیت ندارد. بله، متهم هرچه درباره‌ی خود در دادگاه بگوید، این حجت است.» {۷۰}
۱۳۸۸/۰۹/۰۴	من می‌بینم در بعضی از اظهارات، در بعضی از حرفها، فضا آنچنان مغشوش میشود که افراد سردرگم میشوند؛ مردم نسبت به همدیگر، نسبت به نخبگانشان، نسبت به مسئولانشان بدبین میشوند؛ این درست نیست. «بعضی‌ها – چه مطبوعات، چه بعضی از عناصر گوناگون – توصیه‌پذیر نیستند؛ آنها از ما توصیه نمیخواهند؛ معلوم نیست سیاستهای بعضی از این دستگاه‌ها و مطبوعات و رسانه‌ها را کی معین میکند و کجا معین میشود – نانشان در ایجاد اختلاف است – اما آن کسانی که مصالح کشور را میخواهند، مایلند حقائق را غالب کنند، من توصیه‌ام به آنها این است که از این اختلافات جزئی و غیر اصولی صرف نظر کنند. شایعه‌سازی و شایعه‌پراکنی درست نیست. انسان می‌بیند صریحاً و علناً به مسئولین کشور – کسانی که بارهای کشور را بر دوش دارند – تهمت می‌زنند، نسبت به اینها شایعه‌سازی میکنند؛ مسئولین کشور کسانی هستند که زمام یک کاری به اینها سپرده است؛ مردم باید به اینها اعتماد داشته باشند، حسن ظن داشته باشند. نباید شایعه‌پراکنی کرد؛ دشمن این را میخواهد. دشمن میخواهد شایعه‌پراکنی کند؛ میخواهد دلها را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسئولین بدبین کند» {۷۱}
۱۳۸۹/۱۰/۰۷	« اینی که اصلاً این کار [غیبت] جایز است یا جایز نیست ولو به قصد اصلاح باشد، این را نمیشود به طور مطلق یک چنین چیزی را پابند شد؛ که ما بگوئیم ما چون میخواهیم در امر جامعه اصلاح کنیم، پس زیدی را، عمروی را یا یک جریانی را به طور مطلق مورد تهاجم قرار بدهیم، غیبت کنیم؛ حالا آن کسانی که این کارها را میکنند، خیلی اوقات به غیبت هم اکتفاء نمیکند؛ خب، ملاحظه میکنید دیگر. گاهی چیزهایی را می‌آورند که معلوم نیست حدّ غیبت بر او صادق باشد؛ شاید مصداق تهمت است، مصداق افتراء است، مصداق قول به غیر علم است، مصداق سبّ و شتم است؛ نمیشود این را گفت که اگر طرف قصد اصلاح دارد، پس بنابراین این جایز است برای او، نه؛ موارد استثناء همان مواردی است که [در کتب فقهی] ذکر شده است. منتها باید این موارد صدق کند، احراز بشود. این خیلی مهم است. واقعاً یکی از چیزهایی که ما همه‌مان [باید توجه کنیم]، به مردم هم باید بگوئیم، یاد بدهیم که توجه بکنند این است که: به صرف توهیم این که حالا این کار مصلحت دارد، دستشان را، یا قلمشان را، یا وبلاگشان را آزاد نکنند که هر چه به دهنشان آمد، آن را بگویند؛ اینجور نیست، چون وسائل مدرن امروز همه مشمول همین حکم است. » {۷۲}
	بنده یک وقتی به یک مناسبتی در یک صحبت عمومی عرض کردم به مردم که قرآن کریم میفرماید: «لولا اذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنات بأنفسهم خیراً»؛ (۳) یعنی وقتی افک(۴) را شنیدید چرا به همدیگر حسن‌ظن نداشتید؟ یعنی از اول رد کنید افک را. [اگر] آمدند به یک نفری تهمت زدند، یک چیزی را گفتند – حالا یا با عنوان تهمت یا به عنوان غیبت – چرا قبول میکنید؟ ببینید این کلمه‌ی لولای تحذیریه در قرآن و در کلام عرب خیلی معنای وسیعی دارد، فقط معنایش «چرا» نیست، که ما بگوئیم چرا این کار را نکردی. چرا۱ با تأکید است. یعنی آه، وای، چرا؛ معنای «لولا» این است؛ تحذیریه است. {چرا} «لولا اذ سمعتموه ظن المؤمنون و المؤمنات بأنفسهم [خیراً]»؛ یعنی چرا به هم ظن نیک ندارید، چرا به هم حسن‌ظن ندارید. تا فوراً کسی آمد، شما بگوئید بله، احتمال درستی‌اش هم اگر بود، آدم به صورت یقین آن را بداند و نقل بکند. این درست نیست، این ممنوع است. این چیزی که امروز مورد ابتلاست در جامعه‌ی ما، از همان چیزهایی است که بایست از همین ادله غیبت بفهمیم که درست نیست؛ این وضعی که وجود دارد درست نیست. {۷۲}
۱۳۹۰/۰۲/۰۳	نگذارید اختلاف به وجود بیاید. نگذارید شکاف به وجود بیاید. نگذارید آنچه را که دشمن در تبلیغات و در خبائتهای سیاسی و تفتینهای سیاسی میخواهد در مورد کشور ما انجام بدهد، انجام دهد. شما ببینید در همین پنج شش روز گذشته سر یک قضیه‌ای که آنچنان هم از اهمیت بالائی برخوردار نبود – سر مسئله‌ی اطلاعات و امثال اینها – چه جنجالی در دنیا راه انداختند. تحلیلها را بردند به این سمت که بله، در داخل نظام جمهوری اسلامی شکاف ایجاد شده است، حاکمیت دوگانه شده است، رئیس جمهور حرف رهبری را گوش نکرده است؛ دستگاه‌های تبلیغاتی خودشان را از این حرفهای سست و بی‌پایه پر کردند. ببینید چطور منتظر بهانه‌اند. ببینید چطور مثل گرگ در کمین نشسته‌اند که یک بهانه‌ای پیدا کنند، هر جور میتوانند، حمله کنند. میدانند که دولت مشغول تلاش و فعالیت و خدمت است. خب، واقعاً در کشور دارد خدمت انجام میگیرد. هر جا خدمت باشد، هم مردم طرفدار هستند، هم رهبری طرفدار است. ما کار را، خط را، جهتگیری را ملاک و معیار قرار میدهیم. آنجائی که کار و خدمت و تلاش هست، حمایت ما هست، حمایت مردم هست. و بحمدالله امروز کار دارد انجام میگیرد. مسئولین دولتی هم حقاً و انصافاً دارند تلاش میکنند؛ هم اعضای دولت، هم بخصوص خود رئیس جمهور. اینها شب و روز ندارند؛ من می‌بینم، من از نزدیک شاهدم. اینها دائم مشغول کارند، مشغول خدمت و تلاشند. خب، اینها برای کشور خیلی بارززش است. این، مسئله‌ی مهمی نیست، نظائرش هم اتفاق می‌افتد؛ اما مخالفین، دشمنان بیرونی، تریبون‌دارهای بین‌المللی، بوقهای تبلیغاتی، از همین مسئله استفاده میکنند برای اینکه فضای تبلیغاتی را شلوغ کنند...عرض من به عناصر داخلی، به مردم دلسوز، به برادران و خواهرانی که در داخل با مسائل تبلیغاتی سر و کار دارند، این است که سعی کنند به این آشفتنگی کمک نکنند. این که تحلیل بگذارند، یکی از آن طرف، یکی از این طرف، این علیه آن، آن علیه این، برای هیچ و پوچ، چه لزومی دارد؟ نه، دستگاه بحمدالله دستگاه مقتدری است، مسئولین مشغول کارشان هستند، رهبری هم که بنده‌ی حقیر هستم با همه‌ی حقارت، خدای متعال کمک کرده، ما در مواضع صحیح خودمان محکم ایستاده‌ایم. {۷۳}
۱۳۹۰/۰۴/۰۶	« یک نفری متهم به یک معنائی میشود؛ قوه‌ی قضائیه وظیفه دارد از راه‌هایی که قانون معین کرده، برود تحقیق کند، تفحص کند و مشخص کند که این اتهام وارد است یا وارد نیست. صرف متهم شدن که جرم نیست. به هر کسی ممکن است یک اتهامی وارد شود. تا وقتی که از طریق قانونی جرم ثابت نشده است، نه در خود قوه، نه در بیرون قوه، نه در تریبونها و منبرهای رسمی، نه در وسائل ارتباط جمعی، کسی حق ندارد آبروی یک مسلمانی را ببرد؛ این بسیار مسئله‌ی مهمی است.... بخصوص وقتی که در فضای جامعه روحیه‌ی تعمیم وجود دارد که یک چیزی را به غیر مورد خودش تعمیم میدهند، اینجا انسان خیلی باید احتیاط کند. تا وقتی جرمی ثابت نشده است، قطعاًبایستی کسی را در معرض قرار داد؛ در معرض اتهام هم نباید قرار داد؛ چون وقتی گفتید متهم است، افکار عمومی تفکیک نمیکند بین متهمی که هیچ گناهی نکرده است، باآن کسیکه شواهدی بر گناه او وجود دارد» {۷۴}
۱۳۹۰/۰۴/۱۳	یکی از چیزهایی که لازم است به آن توجه کنیم، این است که: مراقب باشیم دستگاه‌های انقلاب سرشان گرم کارهای غیرمفید و احیاناً مضر در این حرکت پیشرونده نشود، که یکی از اینها، همین مسئله‌ی اختلافات است، که من اگر روی اینها تکیه میکنم، به خاطر این است. یک وقت هست که یک جریانی در مقابل انقلاب می‌آید قد علم میکند به قصد کوبیدن انقلاب، خب، وظیفه‌ی هر کسی است که دفاع کند. انقلاب از خودش دفاع میکند، مثل هر موجود زنده‌ی دیگری. انقلابی که نتواند در دوران فتنه، در دوران ایجاد کودتاهای گوناگون – سیاسی و نظامی و امثال اینها – از خودش دفاع کند، زنده نیست. این انقلاب زنده است؛ لذا از خودش دفاع میکند، پیروز هم میشود، برو برگرد هم ندارد؛ کمالینکه در سال ۸۸ دیدید این کار اتفاق افتاد. یک وقت اینست قضیه، یک وقت نه، قضیه، قضیه‌ی ایستادگی در مقابل یک حرکت براندازانه و اینچنین نیست؛ اختلاف نظر، اختلاف سلیقه، اختلاف عقیده احیاناً است. اینها را بایستی هرچه ممکن است فرو کاست. اینجور چیزها را هرچه ممکن است باید کم کرد. مشتعل کردن این اختلاف نظرها مضر است. {۷۵}
	یک مسئله این است که اگر یک کسی یک حرف غلطی زد، آیا کسی باید به او جواب بدهد یا نه؟ خب، بله معلوم است. جواب دادن به حرف غلط، شیوه‌ی خودش را دارد، راه خودش را دارد، کار خاص خودش است. یک وقت هست که حالا که کسی یک حرف غلطی زد، ما بیانییم مثلاً صدجا این حرف غلط را تابلو کنیم، شعار کنیم که آقا، فلائی این حرف غلط را زد، تا همه بدانند. این است که اشتباه است، خطاست. من با حرکت روشنگرانه از سوی هر کسی، از سوی هر نهاده‌ی، هیچ مخالفتی ندارم، بلکه علاقه‌مندم و معتقدم به مسئله‌ی تبیین؛ اما این معنایش این نیست که ما به اختلافات درونی، هی دامن بزنیم. مراقب باشید. این را همه باید مراقب باشند؛ بخصوص سپاه. سپاه مراقب باشد. در جریانهای سیاسی، در جریانهای گوناگون فکری و سلیقه‌ای مطلقاً مشتعل کردن فضا مناسب نیست. {۷۵}
۱۳۹۰/۰۶/۰۲	بیان انتقادی با تخریب فرق میکند؛ بیان انتقادی با کامل کردن پازل دشمن فرق میکند؛ با بدبین کردن مردم یا گستردن بدبینی در فضای عمومی کشور فرق میکند؛باید اینجوری نباشد؛ باید واقعاً دلسوزانه باشد. {۷۶}
۱۳۹۱/۱۰/۱۹	حرف‌های نادرست موجب غفلت از دشمن میشود؛ اگر حواستان پرت شد، غافل شدید، تمرکز را از دست دادید، به چیز دیگری سرگرم شدید، نتوانستید پیش‌بینی کنید که او چه کار میخواهد بکند، حتماً ضربه میخورید. دشمن که نخوابیده؛ او بیدار است؛ شما اگر حواست پرت شد، شما اگر از موقعیت خودت غافل شدی، دلیل این نمیشود که دشمنی هم که در مقابل توست، حواشش پرت شده باشد؛ او ممکن است حواشش جمع باشد، بزند. پس باید حواسها جمع باشد. اینکه ما این همه عرض میکنیم، توصیه میکنیم، تأکید میکنیم، هم به مسئولین، هم به مردم، که خودتان را به مسائل فرعی سرگرم نکنید، برای خاطر این است. اینکه به مطبوعات، به رسانه‌ها، به روزنامه‌ها، به پایگاه‌های اینترنتی که امروز رواج پیدا کرده است، هی سفارش میکنیم که از وارد کردن حرف‌ها و مطالب نادرست – که ذهن مردم را مشغول میکند – به فضای ذهنی مردم پرهیز کنید، به خاطر این است. {۷۷}